

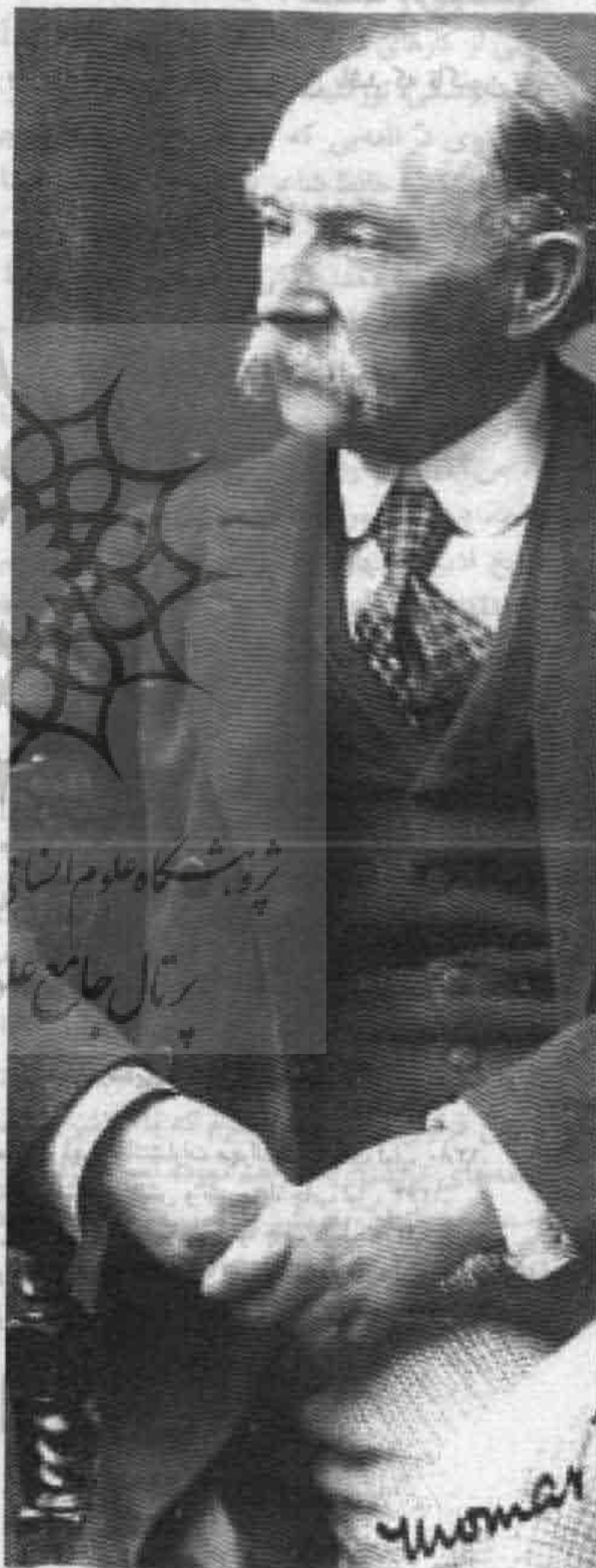
روح روستایی «توماس هاردی»

مریم شفیعی

توماس هاردی یکی از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان عصر حاضر است. وی در هر دو عرصه‌ی شعر و داستان، ثباتی قابل ملاحظه از خود نشان داده، بدین گونه که در تمام آثارش از ابتدا تا انتها ایدئولوژی نسبت به جهان هستی را استادانه به نمایش گذاشته است.

وی از زمره‌ی نویسندگانی است که با خواندن جملات اولیه‌ی متونش، می‌توان به نظم کلی حاکم بر داستان‌هایش پی برد. مانند داستان‌های «ویکس» که همین ویژگی را داراست. در داستان‌های کوتاه این مجموعه که یکی از ارزنده‌ترین کارهای او به شمار می‌آید، در آغاز هر داستان تصویری جامع از حال و هوای کلی آن‌ها به دست می‌دهد. گرچه این داستان‌ها بار سنگین عاطفی-احساسی رمان‌هایش را در بر ندارد با این همه صمیمیت و فضای منحصر به فرد رمان‌های هاردی در این داستان هم مشهود است. به درستی می‌توان ادعا کرد: هنر نویسندگی هاردی آینه‌ی انعکاس وقایع زندگی اوست. توماس در سال ۱۸۴۰ م. در هایربوکهمتون (Higher Bockhamton روستایی واقع در حوالی دورچستر (dorchester) به دنیا آمد. پدرش سنگ‌کار ساختمان بود و برای خودش کار و کاسبی کوچکی راه انداخته بود. مادرش هم مدتی به عنوان مستخدم مشغول به کار بود.

در طبقه‌بندی اقشار مختلف جامعه که در



زمان ویکتوریا مرسوم بود، خانواده‌ی هاردی جزو طبقه‌ی کارگران محسوب می‌شد ولی تا حدودی وضعیت اقتصادی آن‌ها از همسایگان کشاورزان بهتر بود.

توماس تا ۱۶ سالگی در یک مدرسه‌ی دولتی مشغول به تحصیل شد و پس از آن به عنوان یک کارآموز، در یک دفتر طراحی ساختمان در دورچستر مشغول به کار شد. علی‌رغم این که در کارش موفق و بسیار سخت‌کوش بود ولی همیشه رویای شاعر شدن را در سر می‌پروراند. پس از نوشتن اولین اشعارش موفق به چاپ‌شان نشد، بنابراین به نوشتن داستان و رمان روی آورد و به زودی خود را به عنوان نویسنده‌ی داستان‌های سریالی (پاورقی) در دفتر یک مجله معرفی کرد.

در آن دوران - عهد ویکتوریا - اغلب رمان‌های بزرگ به همین روش نوشته و چاپ می‌شد. بعد از چاپ داستان «فرار از جمع دیوانگان» - چهارمین اثر چاپ شده‌ی هاردی - به شهرتی جهانی دست یافت تا حدی که حرفه‌ی طراحی را رها کرده و مخارج زندگی خود را تنها با دریافت حق‌التالیف کتاب‌هایش تامین می‌کرد. در بین سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۸۹۷ م. هاردی چیزی حدود ۱۴ رمان و چندین جلد مجموعه‌ی داستان کوتاه به چاپ رساند.

پس از انتشار رمان «تس دوربرویل» به دلیل طرح مسایل غیراخلاقی در این مجموعه با انتقاد شدید مردم و مطبوعات مواجه شد برای همین از نوشتن رمان روی گرداند و بار دیگر به دنیای شعر و شاعری پا گذاشت. اولین مجموعه‌ی اشعار منتشر شده‌اش با نام «اشعار ویکس» در سنین ۰۵ سالگی به چاپ رسید. پس از آن هفت مجموعه‌ی دیگر از اشعارش

را تا سال ۱۹۲۸ پیش از مرگش منتشر کرد. هاردی یقین داشت تنها از طریق شعر است که می‌توان دنیای نهفته‌ی درون را هویدا ساخت. مارتین سیمور در شرح زندگانی هاردی وی را بسیار ستوده و مدعی شده است که او بعد از شکسپیر بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده‌ی انگلیسی‌ست.

سیمون کاترل استاد زبان دانشگاه جورجیا و ویراستار آثار هاردی در انتشارات ورلدز کلاس یک (Worldclassics) تاکنون مقالات و نقدهای بسیاری بر آثار او نوشته است.

برای معرفی هرچه بهتر هاردی می‌توان او را با چارلز دیکنز مقایسه کرد که البته قیاسی‌ست کاملاً بجا و درست. حال آن که اگر بخواهیم از جهات مختلف به این فرضیه بنگریم، خواهیم دید که در واقع دیکنز نمونه و کپی هاردی است، البته از نوع شهرنشینی‌اش زیرا که دیکنز نیز مانند هاردی از خانواده‌ی فقیری بود و ناگزیر برای فراگرفتن حرفه‌ی، مدرسه را رها کرد. دیکنز و هاردی هر دو انسان‌هایی خودساخته بودند. هر دو فلسفه و جهان‌بینی و تخیلات و تصورات‌شان منعکس کننده‌ی فضا و حال و هوای طبقه‌ی کارگری بود تا آن جا که هر دو کودکی‌شان را در آن گذرانیده بودند.

هر دوی آن‌ها می‌توانستند از مکان و زمان خود فراتر رفته در دنیای تخیلات‌شان سیر کرده و راجع به مکان‌ها و زمان‌های تماماً خیالی دست به قصه‌پردازی بزنند. دیکنز به شرح مشکلات و مسایل طبقه‌ی کارگران که خود در آن زاده شده بود می‌پرداخت. درست مثل هاردی که در مورد مسایل حواشی طبقه‌ی کشاورزان در روستای محل تولدش می‌نوشت.

دیکنز و هاردی هیچ کدام هرگز به طور شفاف

در مورد آثارشان ابراز عقیده نکرده‌اند. آن‌ها در دنیایی خیالی سیر می‌کردند نه تنها از چند و چونش برای کسی نگفتند بلکه هیچ‌گاه نیز سعی نکردند کار خود را توجیه کنند.

شباهت لازم‌الذکر دیگرشان این است که هر دو در مورد مسایل عادی و روزمره‌ی زندگی مردم عامی می‌نوشتند.

با عوض شدن فضا و حال و هوای ادبی زمانه، برخی به دسته‌ی مخالفان هاردی و دیکنز گرویده و ادعا کردند که آن‌ها آخرین بازمانده‌ی نسل نویسندگان سبک رمان‌نویسی عامه‌پسند هستند. حتا اکنون نیز برخی منتقدان سبک

مجموعه به اعتقاد هاردی می‌تواند یک رمان طویل باشد و حتا برخی از رمان‌های وی را نیز می‌توان در قالب داستان کوتاه ریخت، زیرا که طرح داستان‌ها بسیار ساده است.

مجموعه‌ی وسکس به تنهایی می‌تواند دیدی کلی نسبت به سایر آثار هاردی از جمله رمان‌ها و داستان‌هایش به دست دهد.

تا آن‌جا که علاقه‌ی هاردی به اسم وسکس و اصرار وی بر آن او را بر این باور استوار نمود که داستان‌هایش را به این نام بخوانند. چنان‌چه پیش از این نیز اشاره شد که هاردی مجموعه‌ی شعرش را نیز وسکس نامیده بود.



در داستان‌های هاردی دست سرنوشت بی‌رحمانه بر تن نرم قهرمانان داستان شلاق می‌زند و برای جنگ با آنان لباس رزم بر تن می‌کند. همه چیز در یک چشم به هم زدن دست‌خوش تغییر می‌شود و به ناگاه خوشبختی از زندگی افراد رخت برمی‌بندد و بدبختی بر زندگی سایه می‌افکند. عشقی که به سرانجامی نمی‌رسد، زندگی که از دست می‌رود، و از این دسته رخ‌دادها که در آثارش کم نیست.

نگارش و افکار هاردی را روستاپسند خوانده‌اند. عواطف و طنز و ملودرامی که در آثار دیکنز و هاردی به عنوان شاخصه‌ی آثارشان را از سایرین متمایز می‌نمود موجب خلق سبکی خاص و نوعی انسجام خیال شد. تا آن‌جا که گوی سبقت را از سایر آثار آن دوره به ویژه رمانتیسیم‌ها ربود. در این دوره عرصه‌ی ادبیات به شدت تحت تاثیر نویسندگان محتاطی چون جویس، لورانس، وولف و تی.اس.الیوت بود.

مجموعه‌ی داستان «مرد عوض شده» از جمله آثار هاردی است که هرکدام از داستان‌های این

در واقع وسکس نام مستعمره‌ی عظیمی است که تحت سلطه‌ی آنگوساکسون‌ها بود. که هاردی آن را احیا کرد و آن را بار دیگر بر سر زبان‌ها جاری ساخت. وسکس مکانی خیالی، زاینده‌ی ذهن خلاق هاردی بود به طوری که تمام داستان‌های او در آن فضا رخ می‌داد. مکانی که از شمال به تیمز (Thames)، از جنوب به کانال انگلیس، از شرق به خطی فرضی که از جزیره‌ی های‌لینگ (Hayling) تا جنگل ویندسور (Windsor) امتداد دارد و از غرب هم به سواحل کورنیش (Cornish) مشرف

می‌شود. هاردی نقشه‌ی خیالی برای خود کشیده است که وسکس هم درون نقشه جای دارد. به طوری که تمام داستان‌هایش در آن اتفاق می‌افتد. این نقشه شامل مکان‌هایی است خیالی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، هم‌چنین نام‌های آشنایی چون: بریستول (Bristol)، بس (Bath) و سات‌همپتون (Southampton) نیز در این میان به چشم می‌خورد. با خواندن داستان‌های هاردی و دیدن اسامی مکان‌ها به راحتی می‌توان حدس زد که مثلاً در واقع کستربریج (Casterbridge) همان دورچستر و بوت‌موث (Budmouth) همان وی‌موث (Weymouth) خودمان است. ولی سوال

بومی بود، که البته این ویژگی را بارها و بارها در داستان‌هایش نشان داده است. او نسبت به صداها و مناظر طبیعت بسیار حساس بود، به همین خاطر هیچ‌گاه گفتار کردار، آداب و رسوم، طرز لباس پوشیدن و خرافات مردمش از چشمان تیزبینش پنهان نماند. او با حساسیتی خاص همه‌ی این‌ها به خاطر سپرده بود. اما دنیایی که هاردی در آن می‌زیست به سرعت دست‌خوش تغییر و تحول شد. اکنون سرزمینی که سال‌ها از هجوم دنیای مدرن در امان مانده بود، در نیمه‌ی دوم محل تولدش هر چه پیشتر به مرکز دنیا و تمدن مدرن یعنی لندن نزدیک می‌شد، کشاورزی هم ماشینی شده بود و



این جاست که چرا وسکس؟ هاردی عاشق دورست (Dorset) سرزمین مادری خود بود و سرانجام به آن‌جا بازگشت و هیچ‌گاه از آداب و رسوم مردم سرزمینش رو برنگرداند. پدر و پدربزرگ و عموی هاردی، هر سه موسیقی می‌نواختند آن هم در اعیاد، مراسم ازدواج‌ها و جشن‌ها. توماس خود از چهارسالگی شروع به نواختن ویولن کرد. او عاشق آوازهای محلی و رقص‌های متقدی

همین دلیل شیوه‌ی زندگی مردمان روستایی کلی فرق کرد، روستانشینان به شهرها هجرت آوردند و تعداد اندکی در روستاها ماندند. هاردی از بسیاری از تغییرات به ویژه پیش‌رفت نحوه‌ی زندگی مردم استقبال می‌کرد ولی تا دغدغه‌ی ذهنی‌اش از میان رفتن آداب و رسوم کهن بود. همان‌طور که خود به صراحت اذعان کرده بود، یکی از اهدافش از نوشتن در واقع حفظ

بقایایی است از شیوه‌ی زندگی کهن رو به زوال. هاردی ادعا می‌کند این کار را برای ارضای حس خودخواهی‌اش انجام داده است.

روح هاردی به نحوی با زندگی روستایی با مردان چوبان و زنان شیردوش گره خورده بود، به طوری که می‌دانست که یک روستایی چه طور با مشتی پوشال و یک سنگ مرمر آتش روشن می‌کند. یا چگونه از عسل شراب درست می‌کند و یا چگونه مواد افزودنی چون دارچین، زنجبیل، جوز و غیره را به آن می‌افزاید.

او سعی می‌کرد گویش، متلک‌ها، تکیه کلام‌ها و حتی شوخی‌های سرزمینش را ماندگار کند.

درست است که هاردی رویدادهای یک منطقه‌ی خاص را تعریف می‌کند ولی این رویدادها فراتر می‌روند و حتی وارد دنیایی خیالی می‌شوند. مثل افسانه‌های وسکس که بعدها مانند یک تاریخ و داستان محلی در میان عامه به عنوان فولکلور پذیرفته شد.

شخصیت و قهرمانان داستان‌های هاردی همگی افرادی عادی و گرچه روستانشین هستند ولی افکاری بزرگ در سردارند و دلی چون دریا در سینه.

خنده‌ها و گریه‌ها، خوشی‌ها و تلخی‌ها، خوبی‌ها و زشتی‌هاشان مثل خود ماست.

عده‌یی براین باورند که هاردی نویسنده‌یی است تلخ و کژاندیش. که البته چندان هم دور از ذهن نیست، تا آن‌جا که در افسانه‌های وسکس می‌توانیم این دید کلی را حس کنیم.

در داستان‌های هاردی دست سرنوشت بی‌رحمانه برتن نرم قهرمانان داستان شلاق می‌زند و برای جنگ با آنان لباس رزم بر تن می‌کند.

همه چیز در یک چشم به هم زدن دست‌خوش تغییر می‌شود و به ناگاه خوشبختی از زندگی

افراد رخت برمی‌بندد و بدبختی بر زندگی سایه می‌افکند. عشقی که به سرانجامی نمی‌رسد، زندگی که از دست می‌رود، و از این دسته رخ‌داده‌ها که در آثارش کم نیست.

چاب برخی از داستان‌هایش هم‌زمان است با وقایع مهم تاریخی. آن‌جا که پادشاه جورج سوم به کرات به شهر وی‌موث سفر می‌کرد و از هجوم نیروهای تحت فرمان ناپلئون هراس داشت سربازانش در اطراف ساحل آماده‌نظام بودند.

این وقایع تاریخی اگر چه سی و اندی سال پیش از تولد هاردی رخ داد ولی بازتابشان چنان بود که افکار هاردی را به شدت تحت تاثیر قرار داد.

جورج سوم طی سفر به شهر وی‌موث سربازانش را از ترس هجوم نیروهای تحت فرماندهی ناپلئون به این منطقه گسیل داشت.

چنان‌چه این منطقه قلب تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی شد و پس از آن هیچ‌گاه رنگ آرامش را به خود ندید. ■

منابع:

۱. هاردی، توماس، افسانه‌های وسکس، تهران، نشر آیین، ۱۳۸۰

۲. Hardy.T, Tess of the 'D wrberwilles, Newyork, oxford university press, ۱۸۹۱

۳. Hardy.T, life's little Iromes

۴. www.online-literature.com, thomas Hardy Biography